

قصه برای همه - ۴

نویسنده

میشل تورنیه

مترجم

ناکنا رودگری

گاش شادی‌ام پایدار باشد

۱۱۵۷۵۹۲
۱۱۵۷۵۹۲

کتابساز
نشر نگاه معاصر

کاش شادی‌ام پایدار باشد

نویسنده

میشل تورنیه

ترجمه

ناکتا رودگری

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) * مدیر هنری: باسم
الرسام * حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)
لیتوگرافی: نوید * چاپ و صحافی: فرنو * چاپ اول: ۱۳۹۱ * شمارگان:
۲۰۰ نسخه * قیمت: ۲۷۰۰ تومان * شابک: ۵-۳۵-۵۷۴۷-۶۰۰-۹۷۸

نگاه معاصر

ناشر نگاه معاصر

نشانی: مینی سیتی - شهرک مسلاتی - فاز ۲ مختارات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ پُست الکترونیک: negahe_moaser@yahoo.com

سرشناسه	: تورنیه، میشل، ۱۹۲۴ م
عنوان و نام پدیدآور	: کاش شادی‌ام پایدار باشد / نویسنده میشل تورنیه؛ مترجم ناکتا رودگری.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۸ ص.: ۱۸ × ۸ س.م.
فروست	: قصه برای همه: ۳.
شابک	: ۲۷۰۰۰ ریال: ۵-۳۵-۵۷۴۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: عنوان اصلی: Sept contes.
موضوع	: داستان‌های کوتاه فرانسه - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: رودگری، ناکتا، ۱۳۵۲ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۱ پ ۹۵ / PQ ۲۶۶۵
رده‌بندی دیویی	: ۸۴۳/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۱۸۱۵۲

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۱۳.....	پی‌یرو و رازهای شب
۳۳.....	آماندین و دو باغ
۴۹.....	ریش طلا
۶۵.....	مامانوتل
۷۱.....	کاش شادی‌ام پایدار باشد
۹۱.....	سؤال‌ها

پیشگفتار

میشل تورنیه در ۲۹ دسامبر ۱۹۲۴ در خانواده‌ای مرفه در پاریس چشم به جهان گشود. پدر و مادرش که هر دو مشغول به تحصیل در رشته زبان آلمانی بودند، در دانشگاه سوربون با هم آشنا شده، ازدواج کردند. میشل خیلی کوچک بود که صحبت کردن به زبان آلمانی را فراگرفت و علاقه و تمایلش به موسیقی و فرهنگ آلمانی را کنار تربیت و تعلیم کاتولیکی‌اش از کودکی شاد خود تا نوجوانی و حتی بزرگسالی‌اش حفظ کرد. پدرش بعد از جنگ جهانی اول به دلیل ناموفق بودن در امتحان استادی، از تصمیم خود برای تدریس منصرف شد و همه وقت و هم و غم خود را به گرفتن حق تکلیف برای نویسندگان معاصر اختصاص داد. این فعالیت به شغل او تبدیل شد. آثار نویسندگانی مثل هانس کریستین آندرسون، سیلوا لاجرلوف، جیمز اولیوز کاروژد، عشق و اشتیاق زیادی را به دنیای تخیل و کتاب در میشل کوچک برانگیخت، با وجود این واقعیت که او در دوران مدرسه، دانش آموز درسخوان و کوشایی محسوب نمی‌شد.

نوجوان بود که توجه‌اش به فلسفه جلب شد و تصمیم گرفت تحصیلات تکمیلی‌اش را در رشته فلسفه و حقوق در دانشگاه سوربون ادامه دهد. چهار سال هم در دانشگاه توبینگن^۱ آلمان

ادامه تحصیل داد و سعی کرد به عنوان مدرس و استاد فلسفه شغلی در راستای علاقه و مشغله‌اش پیدا کند. بعد از بازگشت به فرانسه متوجه شد در امتحان استادی فلسفه ناکام مانده است. او که بسیار ناراحت بود، تصمیم گرفت برای امرار معاش شغلی پیدا کند. با ترجمه کارهای کوچک آغاز کرد و در این میان، برای روزنامه فیگارو هم مقاله می‌نوشت. در سال ۱۹۵۱، همکاری با رادیو فرانسه و چند کانال دیگر را قبول کرد و به موازات آن، غیر از اجرا و تهیه چند برنامه رادیویی به فعالیت روزنامه‌نگاری مشغول شد. اجرای برنامه اتاق سیاه از جمله همکاری‌هایش با رادیو بود که در این برنامه، به هنر عکاسی — هنر مورد علاقه‌اش — پرداخت. او در مصاحبه‌ای، از خود می‌گوید: «نه این که خوشحال نبودم، نه... ولی کارها آن‌طور که باید، خوب پیش نمی‌رفت. وقتی جوان هستی، خیلی مهم نیست اگر گاهی کم‌بیآوری و شکست را تجربه کنی. ولی در میانسالی، دوباره روی پا ایستادن اصلاً کار ساده‌ای نیست!»

تورنیه به این نتیجه رسیده بود که روش فوق‌العاده‌ای برای ایجاد ارتباط و انتقال اندیشه‌های فلسفی‌اش به مردم پیدا کرده است و آن، نوشتن داستان‌های عامه‌پسند و مردمی بود. از این جهت، تحقیق و بازبینی و بازخوانی افسانه‌ها و اساطیر بزرگ را آغاز کرد. در جایی می‌گوید: «یک افسانه مرده، یک تمیل است و وظیفه نویسنده این است که از تبدیل شدن افسانه به تمیل پیشگیری کند.» به این ترتیب، او از افسانه به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند.

در ابتدا برای نوشتن، از امیل زولا، ژول ورنار و کولت الگو می‌گیرد. در سال ۱۹۶۷، با رمان جمعه‌ی جزیره دیگر موفق به دریافت جایزه بزرگ رمان آکادمی فرانسه شد. این رمان، الهامی است از داستان رابینسون کروزوئه، نوشته دانیل دفو، البته با

اندیشه و سبکی مدرن و امروزی. کتاب دیگرش، پادشاه درختان توسکا^۱ که عنوان یک ترانه آلمانی نیز هست، جایزه ادبی گنکور را برایش به ارمغان آورد. این کتاب در چهارده میلیون نسخه به فروش رسید.

تورنیه بعد از چند سال همکاری با رادیو و تلویزیون، در همدلی با دیگر همکارانش اعتصاب کرد و اخراج شد. اما هرگز از نوشتن باز نایستاد. حالا که آثارش با اقبال زیادی مواجه شده بودند، می توانست همه وقت، انرژی و خلاقیت اش را وقف نوشتن کند. در سال ۱۹۷۱ کتاب *جمعه یا زندگی وحشی*^۲ را که نسخه ساده شده همان *جمعه یا جزیره* دیگر بود، منتشر کرد. این کتاب فقط برای این نوشته نشده بود که مخصوص نوجوانان باشد، بلکه تورنیه آن را کتابی تلقی می کند که مثل داستان های هری پاتر، ملاک تشخیص کیفیت آثار ارزشمند است. *جمعه یا زندگی وحشی* بین کودکان و نوجوانان محبوبیت فراوانی یافت، بلافاصله جزو کتاب های درسی شناخته شد، به چهل زبان زنده دنیا ترجمه گردید و در ۷ میلیون نسخه به فروش رسید.

وقتی از تورنیه به عنوان نویسنده ای یاد می کنند، که برای کودکان می نویسد، او چنین از خود دفاع می کند: «من برای بچه ها نمی نویسم. یک الگوی آزمائی مد نظر من است، الگویی از خلاصه نویسی که شفاف و ملموس است. زمانی که موفق می شوم به این الگوی ذهنی نزدیک شوم یا دست پیدا کنم - که صد افسوس بسیار کم اتفاق می افتد - آن چه می نویسم، به قدری زیبا و به قدری ناب است که بچه ها هم می توانند آن را بخوانند.»

تورنیه مضامین داستان هایش را خلق نمی کند، آن ها را الهام می گیرد. او به شیوه ای خاص، واقع گرا و اندیشمند، شخصیت داستانش را به تصویر می کشد، با زندگی روبه رویش می کند و در

قلب زندگی، در معرض اتفاقاتی قرار می‌دهد که آشنا، قابل درک و تأمل برانگیز هستند. در حالی که جان کلامش در عمق داستان نهفته است، او از سطح آغاز می‌کند. راوی بی تفاوت داستان‌های تکراری نیست، به مخاطب خود احترام می‌گذارد و به عنوان نگارنده داستان، احساس مسئولیت می‌کند و مسئولیتش زمانی سنگین‌تر می‌شود که مخاطبش بچه‌ها هستند، مخاطب‌هایی حساس، نکته‌سنج، باهوش و علاقمند. تورنیه سنت‌ها را دوست دارد و به قواعد مرسوم پایبند است. در عین حال، تنوع و نواندیشی را به وضوح می‌توان در آثارش مشاهده کرد. او در خلال قصه‌هایش، خواننده‌اش را به مکث و توجه به جزئیات داستان فرامی‌خواند، به جزء جزء نمادها، شخصیت‌ها، دلیل حضور و تأثیرشان در روند داستان و رسیدن به نتیجه‌ای که انگشت نویسنده به سمت آن نشانه رفته است. قصه‌های تورنیه، بیانگر اندیشه، باورهایش و البته دستاورد پژوهش و مطالعه افسانه‌ها و داستان‌های قدیمی هستند و تردیدی نیست که علاقه و دغدغه‌اش برای فلسفه، تأثیر زیادی در اغلب آثار برجسته‌اش - حتی فارغ از مقوله کسب جوایز بزرگ - گذاشته و شاید یکی از اساسی‌ترین دلایل خاص بودن آثارش نیز، همین باشد.

از ویژگی‌های بارز حکایت‌هایش، روایت ساده و قابل فهم یک موضوع مهم و پیچیده است. تصویری که از شب ارائه می‌کند، تصویری زیبا، امن، پر رمز و راز و البته پر از رنگ و عطر است. تورنیه، شب را این گونه برای کودکان ترسیم می‌کند و می‌خواهد آن‌ها، غیر از درک و دیدن زیبایی، روشنایی و رنگارنگی روز، به عمق سیاهی شب بنگرند، از تماشای زیبایی‌های دلفریب ظاهری با فراتر بگذارند، به چشم اندازهای متفاوت ببینند و به سفیدی و پاکی ذهن خود، عمق و غنا ببخشند.

گاهی شخصیت‌هایش تنها و منزوی هستند و برای ایجاد

ارتباط با جامعه مدرن و صنعتی امروز، با مشکل مواجه می‌شوند، به همین دلیل، در دنیایی با مشخصات زندگی قدیمی، غیر مدرن، بی‌پایه و آرام که شبیه افسانه است، زندگی می‌کنند. گاهی نیز واقعیت را با دنیای تخیل و فانتزی درهم می‌آمیزد و قصه‌هایش در این حال و هوا شکل می‌گیرند و در عین خیالی بودن، واقعی و ملموس هستند. جالب این‌که تورنیه در هر شرایطی از صحبت کردن در مورد تابوها برای بچه‌ها غمی ترسد یا خودداری نمی‌کند، تابوهای مثل سیاست، سکس و...

میشل تورنیه دو داستان «بی‌پرو و رازهای شب» و «آماندین و دو باغ» را از بهترین داستان‌هایش می‌شمارد، زیرا آن‌ها را نتیجه الهام از اندیشه بکر، انتزاعی و پرشور یک کودک ۶ ساله می‌داند. او تا آنجا پیش می‌رود که «بی‌پرو و رازهای شب» را یک «سرود نیایش ارتباط جسمی» و «درس عشق و ورزی» توصیف می‌کند.

اگرچه شناخت میشل تورنیه با شرح کوتاهی از زندگی‌نامه و اندیشه‌هایش و اشاره به برخی از آثار و شاهکارهایش ممکن نیست، ولی بی‌اشاره به نثر او، حق مطلب ادا نخواهد شد. نثر تورنیه، غیر از قدرت و استحکام، جذابیت و تازگی خاص و بی‌پیرایگی شیرینی دارد که اغلب با سادگی ناب و منحصر به فردی همراه است. این سادگی، قلم خالق «شازده کوچولو»، آنتوان دو سنت اگزوپری را در ذهن خواننده آثارش تداعی می‌کند. موضوع قصه‌ها، شیوه روایت آن‌که از قوت و ارزش زیادی برخوردار است، تسلط و آشنایی او به زبان، نمادها، اسطوره، افسانه و علاقه‌اش به فلسفه، او را به نویسنده‌ای خاص و آثارش را به داستان‌هایی متفاوت، ارزشمند و خواندنی تبدیل کرده‌اند.

پیشگفتار را با سپاس از آقای اکبر قنبری، مدیر محترم انتشارات نگاه معاصر و همفکری‌های ارزشمند همکار گرامی، آقای سعید عجم‌حسینی، به پایان می‌برم. واژه‌واژه داستان‌ها هدیه

به خواهرم نهال، که شادی و لذتش از خواندن آن‌ها، شوق و انرژی‌ام را قوت بخشید، و هدیه به تو، خواننده خوب که در این شوق و لذت با ما شریک خواهی بود.

ناکتا رودگری
آبان ۱۳۹۰

www.ketab.ir